خبر

تدوین طرح چهارفصل در زمینه موسیقی

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه‌ای که در خصوص هفدهمین جشنواره موسیقی جوان تشکیل شده بود، با اشاره به این‌که طرح چهار فصل را در زمینه موسیقی تدوین کردیم، افزود: این طرح برای همه گروه‌ها شرایط اجرا را فراهم می‌کند. در واقع این مسأله را درک کردیم و اساسا این طرح مطرح شد تا هم جوانانی که در موسیقی جهانی کار می‌کنند را هدایت کنیم و هم آنسامبل‌های جدید ایجاد شود و به ارکسترهای ایرانی فکر کنیم. راه نهایی این است اگر این کارها به نتیجه نرسید، طرح چهار فصل وجود دارد که شرایط اجرای جوان‌ها را فراهم کند تا آنها بتوانند وارد بازار موسیقی شوند. امیرحسین سمیعی در ادامه افزود: جشنواره ملی موسیقی جوان در حوزه زیرساخت‌ها کار می‌کند و با این نگاه جامعه را از اتفاقات نابهنجاری که ممکن است در حوزه موسیقی در سال‌های آتی رخ بدهد مصون نگه می‌دارد؛ بنابراین هر چقدر در این حوزه کار کنیم کم است. اگر این سیاست اصلی ما باشد، می‌توانیم جشنواره ملی موسیقی جوان را در نگاه کلان‌تر و در سطح جهانی مطرح کنیم، برای این‌که داشته‌های خودمان را به دنیا نشان دهیم. سمیعی یادآوری کرد: مسأله اصلی این است که جوان‌ها نباید احساس رهاشدگی کنند و این وظیفه برعهده انجمن موسیقی ایران و دفتر موسیقی قرار دارد که راه‌ها را برای درخشش جوانان باز کند.

شاعران؛ چاووش خوانان کار

شعر دفاع مقدس باعث ایجاد سبک‌ها و مضمون‌های جدیدی د

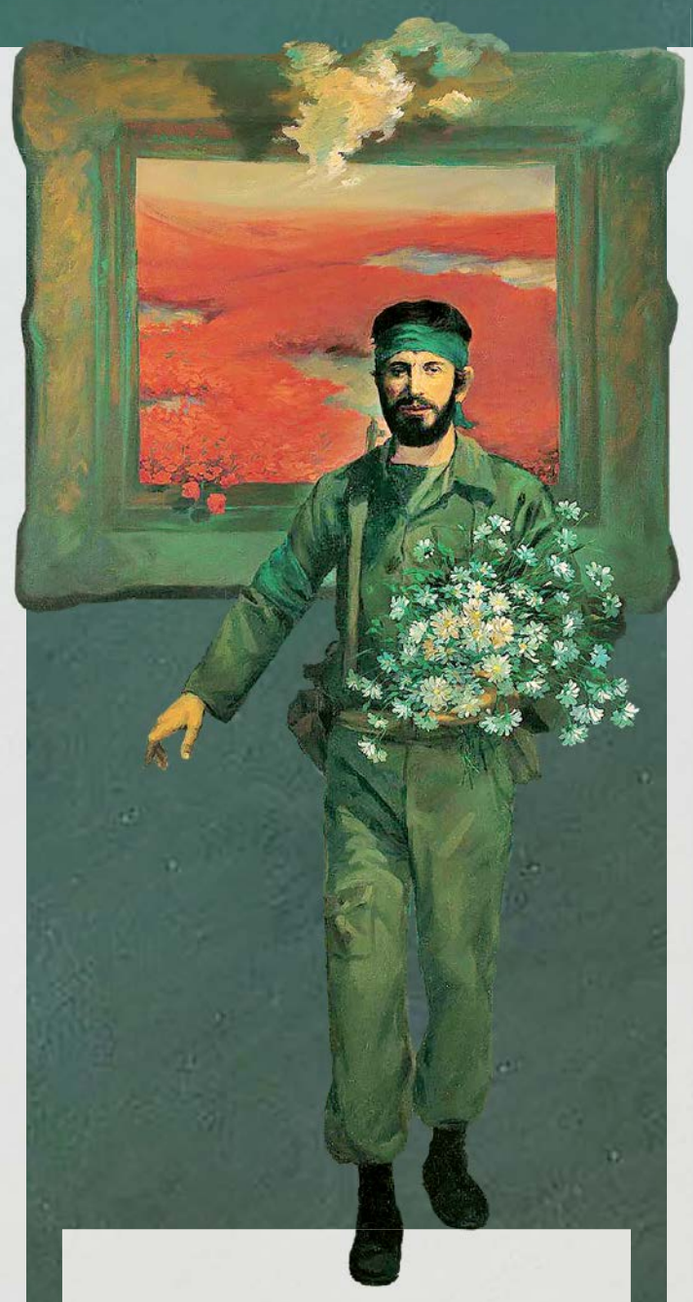

پاکبازی شهدا نرسیده است و آرزو می‌کند که ای کاش او هم می‌توانست مانند شهیدان از همه چیز خود بگذرد تا به خدا برسد.
سلمان هراتی در این مضمون سروده است:

دگر آواره جنگی و جانباز و همانندش
ددک صدام بی‌دین را، نه دد، بل عنترک صدام
به روی دار رقصانیم، با زنجیر یک چندش...

عاشورایی‌های ایرانی

یکی از مضمون‌های پرتکرار در شعر دفاع‌مقدس، تلاش شاعران برای ایجاد تلفیقی میان حادثه عاشورا و وقایع دفاع‌مقدس است. این برابرنهادن در حقیقت به‌معنای آن است که در شعر این دوره با تسری‌دادن حوادث محرم سال ۶۱ هجری به وقایع امروزی، مظلومیت رزمندگان اسلام همچون مقاومت و ایثار امام حسین(ع) و یارانش تصویر می‌شود. همچنان که امام حسین(ع) و شهدای کربلا در دوگانه ناگزیر میان زندگی با ذلت و مرگ با عزت، آگاهانه به استقبال مرگ رفتند و شهادت را پذیرا شدند، رزمندگان ما نیز با علم به قدرت دشمن و حمایت همه کشورهای زورمند از رژیم بعث، به جبهه‌ها می‌رفتند و به همین دلیل شاعری چون سیدحسن حسینی، آنان را این‌گونه توصیف می‌کند:

او روز شهود خویش را می‌دانست
گودال فرود خویش را می‌دانست
چون شاعر چیره‌ای از آغاز سخن
پایان سرود خویش را می‌دانست

به این ترتیب در شعر دفاع مقدس، نمادهای مربوط به عاشورا به‌صورتی گسترده مورد توجه قرار گرفت و درون مایه اصلی شعر این دوره، ستایش شهدا و شهادت بود.
شهادت اوج آگاهی است و برای همین است که شاعری پیشکسوت چون طاهره صفارزاده قلمش را به ذکر نوجوانان شهیدی متبرک می‌کند که در ابتدای راه زندگی به اوج آن دست یافتند:

...و نوجوانان/ دور از حصار تجزیه و تحلیل/ یک‌شبه مرد جوان شدند/ پهلوان شدند/ در جبهه/ رزمندگان/ دنبال مقصد ثارا.../ همواره/ مجموعه شهادت را/ مانند نعمتی/ از هم ربوده‌اند

عرفان و دفاع مقدس

در این شعرها، نه تنها شکوه حماسی شهدا و شهادت مورد توجه قرار گرفته، شاعران سعی کرده‌اند به جنبه عرفانی و معرفتی شهادت هم توجه داشته باشند. مثلا وقتی وحید امیری در توصیف شهیدی گمنام می‌سراید:

مهمان ضیافت خطر هیچ نداشت
هنگام که می‌رفت سفر هیچ نداشت
گمنام‌ترین شهید را آوردند
جز پاره‌ای از عشق دگر هیچ نداشت

اشاره‌ای هم به مقامات عرفانی دارد که در آن عارف واصل از همه تعلقات دنیوی خلاصی می‌یابد و جز عشق به معبود ازلی چیزی برایش باقی نمی‌ماند، مضمونی که در ادبیات عرفانی ما دارای سابقه‌ای طولانی و بسیار است.
به همین دلیل مضمون جدیدی در شعر ما به‌وجود می‌آید و آن حسرت خوردن به رزمندگان و ایثارگران است. در این شعرها، شاعر خود را شماتت می‌کند که به درک فیض

در میان رزمندگان حضور می‌یافتند و با خواندن نوحه و سرود سعی می‌کردند روحیه حماسی را در میان داوطلبان بالا ببرند. ارتباط میان این گروه‌های تبلیغی و شاعران جوان دوستدار انقلاب به‌سرعت و به‌زودی برقرار شد و شاعران به مرجع گروه‌های تبلیغی جبهه‌ها تبدیل شدند. برای مثال یکی از شعرهای سیدحسن حسینی به‌سرعت در جبهه‌ها مورد توجه قرار گرفت و به پای ثابت برنامه‌های تبلیغی در زمان اعزام نیروی رزمنده به جبهه‌ها تبدیل شد:

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خوانَدم
از دیار دور یار آشنا می‌خوانَدم
مهلت، چون و چرایی نیست مادر، الوداع!
زان که آن جانانه بی‌چون و چرا می‌خوانَدم...

یا در جبهه‌ها شعرهایی از شاعران به‌صورت تابلوهایی در خطوط مقدم نوشته می‌شد، مانند این شعر مشهور پرویز بیگی حبیب‌آبادی:

یاران چه غریبانه، رفتند از این خانه
هم سوخته شمع ما، هم سوخته پروانه...

یا شعرهایی از شاعران معاصر که بر سنگ مزار شهدا نقش می‌بست یا در وصیت‌نامه‌های آنان دیده می‌شد، نشان‌دهنده پیوند میان مردم و شعر بود. بخش مهمی از این پیوند به این دلیل به وجود آمد که شاعران دست از بازی‌های زبانی و فرمی برداشتند و شعر به زبان مردم کوچه‌وبازار نزدیک شد.

رجزخواندن برای دشمن

رجزخوانی یکی از ویژگی‌های شعر دوران تهییج است. می‌دانیم که در دوره‌های گذشته که رزم به‌صورت تن به تن بوده است، دو طرف برای تخریب روحیه هم و تشجیع یاران خود، شعرهایی می‌خوانده‌اند که به رجز مشهور بوده است.
در آثار حماسی مانند شاهنامه هم بارها به این‌که پهلوانان برای هم رجز می‌خوانده‌اند، اشاره شده است. در این رجزها، پهلوانان شجاعت و جنگاوری خود و یاران خویش را می‌ستایند و دشمن را تحقیر می‌کنند. در شعر دفاع‌مقدس نیز ردپای این رجزخوانی‌ها دیده می‌شود. شاعر در این شعرها با ارجاع به تاریخ، رویدادها و شخصیت‌های تاریخی، برتری خود و هم‌رزمانش را به رخ دشمن می‌کشد و خود را شکست‌ناپذیر جلوه می‌دهد.
برای مثال حسن حسینی می‌گوید:

در مکتب رزم، درس عشق آموزیم/ در خرمن دشمنان شرار افروزیم
چون خشم خدای خویش کافرسوزیم/ در کشتن و در کشته‌شدن پیروزیم

گاهی این شعرهای رجز، زبانی صریح‌تر به خود می‌گرفت و بیشتر به سمت تحقیر دشمن پیش می‌رفت. به‌عنوان مثال شاعری مانند مهدی اخوان‌ثالث در یکی از شعرهایی که برای دفاع‌مقدس سروده بود، رسما به صدام به خاطر تجاوز به خاک ایران دشنام داده بود:

کنون بنگر به خوزستان که بینی چونش و چندش
به خون آلوده کارونش، به بهمنشیر و اروندش
بر او تازان یکی تازی، به خونریزی و لجبازی
ددی مزدور غرب و شرق، با صد مکر و ترفندش
ز خونریزی خوش و خندان، مسلح تا بن دندان
عراق از او چنان زندان، گرفته عالمی گندش
درختی فاسد و شوم است و بارش بدتر از زقّوم
به همت هم توان، هم باید از اعماق برکندش
همین رزمنده نواللهیان، ا... اکبر گوی
به لطف حق توانند از بن و بنیان برآرندش
به چنگ آریم با جنگ و به‌دست داد بسپاریم
و خواهد دید او از داد، فرجام خوشایندش!
شهود دادگاه ما: شهیدان و یتیمان شان

برش

شعر دفاع مقدس و تغییر در فرم

در بررسی شعر دفاع مقدس معمولا عمده نگاه‌ها به تغییراتی است که در محتوا و مضمون شعر روی داده است اما واقعیت این است که شعر دفاع‌مقدس و در معنایی کلی‌تر، شعر انقلاب اسلامی، تغییرات قالبی و فرمی را هم در شعر به وجود آورد. شعر در دوران پیش از انقلاب کاملا به سوی قالب‌های نو چرخیده بود. عمده شعرهایی که سروده می‌شد، شعر سپید بود و بخشی از شعرهای منتشرشده هم نیمایی بود. فضای شعر در دوران قبل از انقلاب، کاملا در ستیز با قالب‌های کلاسیک شعر فارسی بود و شعرگفتن در این قالب‌ها نوعی عقبگرد یا ارتجاع دیده می‌شد اما در سال‌های نخست انقلاب، رویکردی دوباره به قالب‌های کلاسیک اتفاق افتاد و شاهد سرودن دوباره غزل و مثنوی بودیم. علی معلم دامغانی مثنوی سرایی در وزن‌های بلند را که پیش از آن در شعر معمول نبود، باب کرد و توانست شعرهای ماندگار خود را در این قالب در آن دوران بسراید. اما ویژگی‌ها و اقتضائات دوران جنگ که نیاز به شعر تهییجی و دارای قابلیت انتقال سریع را به وجود آورده بود باعث شد که قالب رباعی که تا پیش از این تنها برای مضمون‌های فلسفی و عرفانی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ناگهان مورد توجه قرار گیرد و گروهی از شاعران جوان آن دوره چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سهیل محمودی، محمدرضا محمدی نیکو، محمدرضا سهرابی‌نژاد، وحید امیری، محمدرضا سنگری و... توانستند این قالب را زنده کنند. رباعی به‌دلیل کوتاه‌بودن ذاتی و ضربه‌زنندگی در مصرع چهارم، می‌توانست یک ضربه حسی و عاطفی به مخاطبانش منتقل کند. شبیه همین اتفاق درباره قالب دوبیتی هم افتاد. پیش از آن دوبیتی یک قالب حاشیه‌ای و تفننی برای بیان دلتنگی‌های شخصی بود، اما شاعران دفاع مقدس آن را به قالبی برای بیان حالات و روحیات خود تحت تأثیر حوادث جنگ تبدیل کردند. این دوبیتی از علیرضا قزوه در آن زمان بسیار مورد توجه واقع شد: خوشا آنان که جانان می‌شناسند/ طریق عشق و ایمان می‌شناسند/ بسی گفتیم و گفتند از شهیدان/ شهیدان را شهیدان می‌شناسند

البته باید به این نکته هم توجه کرد که در همان زمان شعرهای خوب و ماندگاری در قالب‌های نیمایی و سپید منتشر شد و مورد توجه قرار گرفت مانند شعرهایی از قیصر امین‌پور و سلمان هراتی که به نوعی شناسنامه روزهای دفاع مقدس بودند.

دوره‌های مختلف شعر

نام	زمان	ویژگی مضمونی
شعر تهییجی	دهه ۶۰	ستایش رزمندگان، شهادت‌ستایی، نکوهش بی‌دردان، رج... برای دشمن، وطن‌دوستی و تشویق به حضور در جبه...
شعر اعتراض	دهه ۷۰	بیان دلتنگی برای شهدا و جبهه‌ها، بازگویی شاعرانه خا... جنگ و نکوهش مسئولان بی‌اعتنا به ارزش‌های دفاع م...
شعر نسل نو	دهه ۸۰ به بعد	بیان حسرت از درک‌نکردن فضای جبهه و جنگ، بازگ... مشکلات بازمانده از جنگ برای خانواده‌های ایثارگران، ت... جبهه مقاومت و ستایش شهدای حرم

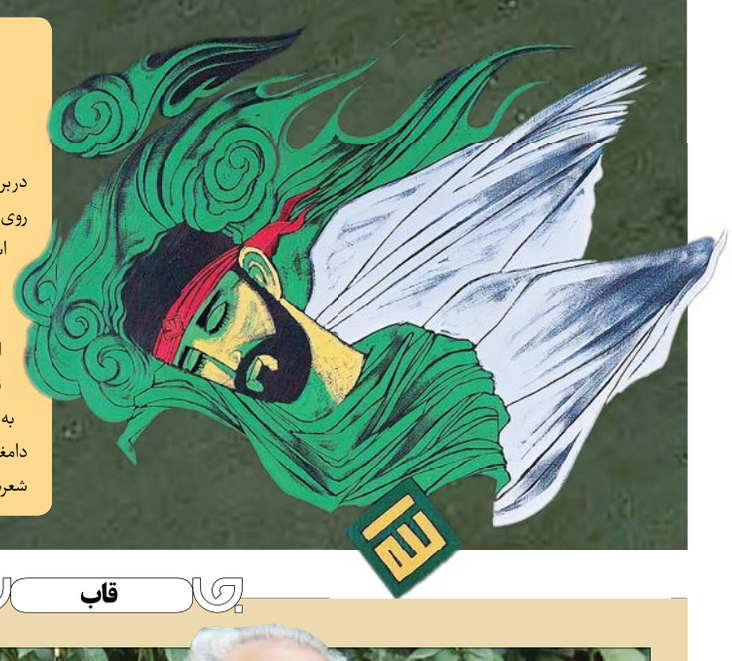

قاب

آیین نکوداشت میلاد کیایی برگزار می‌شود

آیین نکوداشت میلاد کیایی، آهنگساز، مدرس و نوازنده پیشکسوت سنتور به مناسبت هشتادمین سالگرد زادروزش، برگزار می‌شود و در این مراسم از سال‌ها تلاش این هنرمند عرصه موسیقی تجلیل خواهد شد.

از جمله فعالیت‌های کیایی می‌توان به سال‌ها تدریس، تحقیق و چاپ مقالات ارزشمند در حوزه موسیقی ایرانی و نیز ایجاد ابداعاتی در زمینه کوک سنتور اشاره کرد. پگاه، ابر بی‌باران، سبزه‌زار، موسیقی روی تم‌های محلی ایران، چرا، یاد، حباب، یتیم سه‌گاه، قطعاتی برای سنتور و ارکستر و... از جمله آثار موسیقایی میلاد کیایی است. آیین نکوداشت این هنرمند امروز ساعت ۱۸ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌شود.

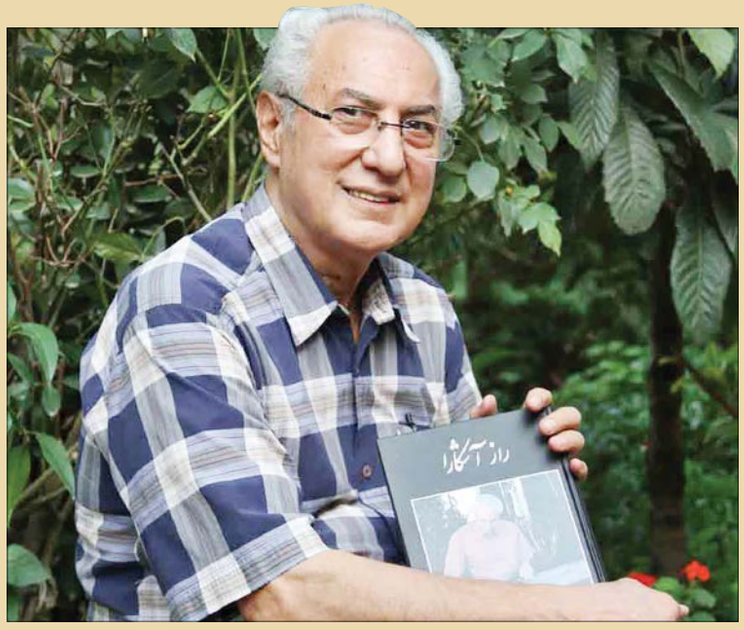

نوا

«سفری به رود ماه» از تالار رودکی

ارکستر «کلید صلح» به رهبری محمود میرزایی با عنوان «سفری به رود ماه»، ششم و هفتم مهر از ساعت ۲۰ در تالار رودکی روی صحنه می‌رود.
حمید فرتاش در این کنسرت به‌عنوان کنسرت مایستر ارکستر را همراهی می‌کند و علاوه بر سازهای ارکستر سمفونیک، سازهای درام، گیتار، گیتار بیس و پیانو هم در ترکیب ارکستر استفاده شده است.
فرتاش از ۱۰ سالگی ویولن ایرانی را زیر نظر پدرش عبدالعلی فرتاش آغاز کرد و ویولن کلاسیک را نزد مازیار ظهیرالدینی در دانشگاه تهران فراگرفت. کنسرت‌های بسیاری برگزار کرده که از آن جمله می‌توان به کنسرت در کاخ نیاوران فرهنگسرای بهمن، تالار فارابی دانشگاه هنر و تالار آوینی دانشگاه تهران اشاره کرد.
در این کنسرت قطعات Heaven and Earth، Moon River، Strangers in the Night، Magnificent Seven، Fargo، Bridge on the River Kwai، People to Respect، Jazz Waltz No. ۲، را از آهنگسازان مشهوری چون Dimitry Shostakovich، Ennio Morricone، Elmer Bernstein، Henry Manchini و Kitaro نواخته می‌شود.
همچنین تنظیم و بازنویسی مجدد این آثار به‌صورت گروهی انجام شده است.

رویداد

کارگاه‌های آموزشی خانه موسیقی ایران

خانه موسیقی ایران قصد دارد در مهر ماه سال جاری کارگاه و مستر کلاس «پیانو» و «تهیه‌کنندگی موسیقی» را برگزار کند.
مستر کلاس پیانو را پروفسور کلارا بوکوچاوا تدریس خواهد کرد.
او در شش سالگی نواختن پیانو را زیر نظر مادرش که معلم پیانو بود آغاز کرد و در ادامه این راه که ۱۶ سال طول کشید، وارد مدرسه موسیقی و سپس کالج موسیقی و کنسرواتوار موسیقی شوروی سابق شد.
او تدریس پیانو را از ۱۷ سالگی در آموزشگاه مادرش شروع کرد و پس از اتمام آکادمیک پیانو به‌عنوان استاد در کنسرواتوار تفلیس و هنرستان وابسته به کنسرواتوار مشغول تدریس شد. بوکوچاوا در سال ۲۰۰۱ به دعوت کنسرواتوار تهران به ایران آمد و به مدت ۲۰ سال به تربیت و تدریس شاگردان پرداخت و هم‌اکنون هم در بنیاد رودکی مشغول تدریس است.
همچنین مستر کلاس تهیه‌کنندگی را محسن رجب‌پور تدریس خواهد کرد. او عضو هیأت‌مدیره کانون ناشران خانه موسیقی ایران و یکی از باسابقه‌ترین تهیه‌کنندگان موسیقی است.